



تاریخ حرم ائمه بقیع

محمد صادق نجمی

«پیدایش»

حرم ائمه بقیع که در کتب تاریخ بعنوان «مشهد» و «حرم» اهل بیت معروف گردیده، در سمت غربی و منتهی الیه بقیع واقع شده است که در این حرم مطهر قبر چهارتن از ائمه اهل بیت؛ امام مجتبی، امام سجاد، امام باقر و امام صادق -علیهم السلام- در کنار هم و بفاصله ۳-۲ متری این قبرها، قبر عباس عموی گرامی رسول خدا -ص- قرار گرفته و در کنار آن نیز قبر دیگری است متعلق به فاطمه بنت اسد و به احتمال ضعیف متعلق به فاطمه دختر رسول خدا -ص- که قبل از ویرانی ساختمان این حرم مطهر، همه این قبور ششگانه در زیر یک گنبد و دارای ضریح و صندوق زیبا بودند.

درصد آنیم که سه موضوع را بصورت مستقل و جداگانه مورد بررسی قرار دهیم:

۱- تاریخ حرم ائمه بقیع.

۲- تاریخ ضریح ائمه بقیع.

۳- قبر فاطمه بنت اسد یا فاطمه دختر رسول خدا -ص-.

اجمالی از تاریخ حرم ائمه بقیع:

گرچه پس از گذشت قریب به یک قرن از تخریب حرم مطهر ائمه بقیع و از بین رفتن تمام آثار این بنای باشکوه و معنوی نمی توان همانند سایر ابنیه تاریخی و مذهبی، از آثار آن به عظمت و قدمتش پی برد و تاریخ ساختمان آن را بدست آورد، ولی آنچه از منابع مختلف بدست می آید، تا حدی می تواند ما را با تاریخ و چگونگی این حرم شریف آشنا سازد و بیانگر وضع این بنای فخیم و پرشکوه معنوی در طول تاریخ گردد.

اجمال تاریخ این حرم مقدس این است که قبور ائمه بقیع - علیهم السلام - مانند سایر قبرها در محوطه مکشوف و بدون دیوار و سقف نبوده، بلکه قبر آنان مانند تربت پاک رسول خدا - ص - و حضرت رضا - ع - از آغاز دفن اجساد مبارک و پیکر مطهرشان در داخل خانه‌ای که متعلق به عقیل بوده، قرار داشته است و به مرور زمان این خانه به ساختمان مناسب، به شکل مسجد تبدیل گردیده، سپس در محل همان ساختمان بزرگترین و مرتفع ترین گنبد و بارگاه بنا شده است و در قرون متمادی دارای خادم و دربان و دارای ظرفترین و گرانبهاترین ضریح و صندوق با زیباترین روپوش و دارای فرش و قندیل بوده است و بالاخره در هشتم شوال سال ۱۳۴۴ هـ به وسیله وهابیان منهدم گردیده است.

و برای توضیح این حقیقت تاریخی، توجه به دو مطلب را لازم می دانیم:

۱ - مقبره‌های خانوادگی در بقیع

از مجموع گفتار مورخان چنین برداشت می شود که مردم مدینه که قبلاً اجساد درگذشتگان خود را در نقاط مختلف و در دو گورستان عمومی به نام گورستان «بنی حرام» و «بنی سالم»^۱ و گاهی در داخل منازل خود دفن می کردند، با رسمیت یافتن بقیع به مناسبت دفن جسد عثمان بن مظعون^۲ و ابراهیم فرزند رسول خدا - ص -^۳ به آنجا توجه نمودند و عده‌ای از صحابه و یاران رسول خدا - ص - بتدریج خاها و ریشه درختان موجود در بقیع را قطع و آن بخش را بعنوان آرامگاه خصوصی، به خانواده خود اختصاص دادند و بعضی از اقوام و عشیره رسول خدا - ص - در داخل بعضی از منازل متصل به بقیع دفن گردیدند.

با اینکه وضع بقیع با مرور چهارده قرن، دگرگون شده و از قبور زیادی که در این

آرامگاه تاریخی به افراد معروف از صحابه و شخصیت‌های اسلامی تعلق داشت، بجز تعدادی محدود باقی نمانده است ولی در عین حال همین تعداد از قبور نیز می‌تواند مؤید گفتار این مورخان و بیانگر نظم و ترتیب موجود در آن دوران باشد؛ زیرا که گذشته از اینکه قبور همه اقوام رسول خدا - ص - در قسمت غربی بقیع واقع شده است، هر گروه از آنان نیز به تناسب ارتباطشان با همدیگر و انتسابشان به رسول خدا - ص - در یک نقطه معین و جایگاه مخصوص و در کنار هم دفن شده‌اند؛ مثلاً قبور ائمه چهارگانه با قبر عباس و فاطمه بنت اسد در یک نقطه و در کنار هم و همه همسران رسول خدا - ص -^۴ در یک نقطه معین و در کنار هم و رقیه و ام کلثوم دختران پیامبر در کنار هم و عمه‌های آن حضرت با ام‌البین در کنار هم، که مجموع این بخش به نام «مقابر بنی هاشم» معروف گردیده است؛ همانگونه که سایر بخشهای مختلف بقیع نیز به نامهای خاصی نامیده شد؛ مانند «روحاء» و «زوراء».^۵

و باز می‌بینیم پس از گذشت بیش از نیم قرن از رسمیت یافتن بقیع، تمام شهدای حره در یک نقطه از بقیع و در کنار هم بخاک سپرده شده‌اند.

۲ - بقیع در پشت خانه‌های مدینه

مطلب دومی که در این بحث حائز اهمیت است این است که طبق دلائل موجود تاریخی، خانه‌ها و منازل مدینه تا بقیع امتداد داشته و بقیع پیش از آنکه بصورت آرامگاه عمومی درآید و همانگونه که در معرفی آن گفته شده است: «شَرْقِيهَا نَخْلٌ وَ غَرْبِيهَا يُبُوتٌ»^۶ از طرف غرب در پشت منازل مدینه قرار داشت و کوچه‌های متعددی این منازل را به همدیگر وصل می‌نمود و به محل بقیع منتهی می‌گردید که بعضی از این منازل بتدریج برای دفن افراد مشخص مورد استفاده قرار گرفته^۷ و بعضی از آنها هم تخریب و به بقیع منضم گردیده است.^۸ گرچه در صفحات آینده شاهد دلائل و قرائن متعددی در این زمینه خواهیم بود ولی به نظر می‌رسد که نقل چند دلیل و شاهد تاریخی در اینجا ضروری است:

۱ - در کتب تاریخ و مدینه شناسی، در معرفی «روحاء» که به بخشی از بقیع اطلاق

می‌گردید؛ چنین گفته شده است:

«الزُّوْحَاءُ الْمَقْبَرَةُ الَّتِي وَسَطَ الْبَقِيعِ يُحِيطُ بِهَا طُرُقُ مُطْرَقَةَ»^۹

«روحاء مقبره‌ای در بخش میانی بقیع می‌باشد که راههای متعددی آنجا را احاطه نموده

است.»

۲- و در بعضی از این منابع چنین معرفی شده است: «الزَّوْحَاءُ كُلُّ مَا حَادَتْ الطَّرِيقَ مِنْ دَارِ مُحَمَّدِ بْنِ زَيْدٍ إِلَى زَاوِيَةِ دَارِ عَقِيلِ الْيَمَامِيَّةِ الشَّرْقِيَّةِ.»^{۱۰}
«روحاء» آن بخش از بقیع است که در محاذی راهی (کوچه‌ای) که از خانه محمد بن زید به زاویه شرقی خانه عقیل منتهی می‌گردد قرار گرفته است.

۳- گرچه مورخان و مدینه شناسان اهل سنت همانند علمای شیعه، در محل دفن حضرت فاطمه - سلام الله علیها - اختلاف نظر دارند و لیکن همان نظرات مختلف نیز مؤید این واقعیت تاریخی و گویای وجود خانه‌ها و کوچه‌های متعدد و سمت غربی بقیع می‌باشد.
زیرا گاهی می‌گویند: «قَبْرِ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ زَاوِيَةَ دَارِ عَقِيلِ الْيَمَامِيَّةِ الشَّرْعِيَّةِ فِي الْبَقِيعِ.»^{۱۱}

و گاهی می‌گویند: «إِنَّ قَبْرَ فَاطِمَةَ وَجَاءَ زُقَاقٌ تُبَيِّنُهُ وَآتَهُ إِلَى دَارِ عَقِيلِ أَقْرَبُ»^{۱۲}
و در مورد دیگر می‌گویند: «إِنَّ قَبْرَ فَاطِمَةَ جَذُو زَاوِيَةَ دَارِ عَقِيلِ مِمَّا يَلِي دَارَ تُبَيِّنَةَ»^{۱۳}
و همچنین گفته شده است: «إِنَّ قَبْرَ فَاطِمَةَ مَخْرَجَ الذُّقَاقِ الَّذِي تَبَيَّنَ دَارِ عَقِيلِ وَ دَارِ أَبِي تُبَيِّنَةَ»^{۱۴}

این تعبیرات مختلف و جملات صریح بیانگر وجود منازل و کوچه‌های متعدد در کنار بقیع می‌باشد؛ کوچه‌هایی که خانه محمد بن زید را به زاویه خانه عقیل متصل می‌ساخت و کوچه‌ای که در میان خانه عقیل و نبیه قرار داشت و کوچه‌هایی که به محل بقیع منتهی می‌گردید.

و خانه‌ها و منزلی که متعلق به محمد بن زید و عقیل بن ایطالب و خانه دیگری متعلق به نبیه و ابن نبیه بوده و طبعاً منازلی متعلق به اشخاص دیگر که نیازی به معرفی آنها نبوده است.

خانه عقیل یا آرامگاه خانوادگی:

جالب توجه است که در میان این چند خانه تنها خانه عقیل بن ایطالب است که دارای اهمیت و خصوصیت ممتاز می‌باشد و بطوری که در صفحات آینده خواهیم دید این خانه است که مورد توجه رسول خدا - ص - و افراد سرشناس پس از آن حضرت بوده و نیز همانگونه که در تعبیرات قبلی ملاحظه فرمودید معرفی منازل دیگر در جهت معرفی خانه عقیل و در حول

محور آن می‌باشد.

این اهمیت و خصوصیت از اینجا بوجود آمده است که این خانه گرچه از نظر ساختمانی یک خانه مسکونی و منتسب به عقیل بن ابیطالب بوده، اما در عین حال به آرامگاه خصوصی و خانوادگی اقوام و فرزندان رسول خدا مبدل گردیده است و اولین کسی که در داخل آن دفن شده است، فاطمه بنت اسد^{۱۵} و به احتمال ضعیف فاطمه دختر رسول خدا - ص - و پس از آن عباس عموی پیامبر است و پس از آنها پیکر پاک و مطهر چهارتن از ائمه هدی - علیهم السلام - و فرزندان رسول خدا - ص - در این بیت بخاک سپرده شده است و این موضوع از مسلمات تاریخ است و دیده نشده که مورخ و مدینه شناسی در اصل این مطلب شک و تردید و یا نظر مخالفی داشته باشد، مگر در مورد قبر متعلق به فاطمه که آیا منظور از وی فاطمه بنت اسد است و یا فاطمه دختر گرامی رسول خدا - ص - که در بخش سوم این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

اینک بر می‌گردیم به نمونه‌هایی از متن تاریخ و نص گفتار چند تن از مورخان:

قبر عموی پیامبر - ص - و فاطمه بنت اسد در خانه عقیل:

۱- ابن شبه متوفای ۲۶۲ قدیمی ترین مورخ و مدینه شناس می‌گوید: «دُفِنَ الْعَبَّاسُ بْنُ

عَبْدِ الْمُطَّلِبِ عِنْدَ قَبْرِ فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدِ بْنِ هَاشِمٍ فِي أَوَّلِ مَقَابِرِ بَنِي هَاشِمٍ الَّتِي فِي دَارِ عَقِيلٍ»^{۱۶}

«عباس بن عبدالمطلب در اول مقابر بنی هاشم و در داخل خانه عقیل در کنار قبر فاطمه

بنت اسد دفن شده است.» ۲-۳- این جمله صریح را مورخ و مدینه شناس معروف سمهودی^{۱۷}

و مدینه شناس سوم احمد بن عبدالحمید^{۱۸} نیز در کتاب خود نقل نموده‌اند.

قبر امام مجتبی در خانه عقیل:

مورخ اخیر (احمد بن عبدالحمید) پس از تصریح به اینکه قبر فاطمه و عباس در داخل

خانه عقیل قرار گرفته است، می‌گوید: مؤید این حقیقت تاریخی، مطلبی است که ابن جِبَّان

آورده است و آن این که پس از اقامه نماز به جنازه حسن بن علی - علیهما السلام - بدن او در

بقیع و در کنار جده اش فاطمه بنت اسد دفن گردید.^{۱۹}

و باز در «تاریخ المدینه» و منابع دیگر، آمده است که حسن بن علی - علیهما السلام - به

برادرش وصیت نمود بدن او را در کنار قبر جدش رسول خدا - ص - به خاک سپارد، سپس فرمود اگر بین امیه مخالفت کنند در کنار مادرم فاطمه دفن کنید و طبق وصیت آن حضرت در مقبره بنی هاشم و در کنار قبر فاطمه به خاک سپرده شد. (قَدْفِنَ فِي الْمَقْبِرَةِ إِلَى جَنْبِ فَاطِمَةَ)^{۲۰}

شیخ مفید و طبرسی این وصیت را چنین نقل نموده‌اند که آن حضرت فرمود: «ثُمَّ رُدَّنِي إِلَى جَدَّتِي فَاطِمَةَ بِنْتُ أَسَدٍ فَأَذْفَتْنِي هُنَاكَ»^{۲۱}

قبور سه تن از ائمه اهل بیت در کنار قبر امام مجتبی - ع -:

ابن نجار متوفای ۶۴۳ می‌گوید: قبر عباس پیامبر - ص - و قبر حسن بن علی بن ابیطالب در زیر یک قبه مرتفع و قدیمی قرار گرفته‌اند. سپس می‌گوید: «وَمَعَهُ فِي الْقَبْرِ ابْنُ أَخِيهِ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ زَيْنُ الْعَابِدِينَ وَأَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ الْبَاقِرِ وَابْنُهُ جَعْفَرُ الصَّادِقِ»^{۲۲} و امام غزالی می‌گوید: «وَيُسْتَحَبُّ أَنْ يَزُورَ قَبْرَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَفِيهِ أَيْضاً قَبْرُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ»^{۲۳}

مسعودی - م - ۳۴۶ - مورخ معروف درباره امام سجاد - ع - می‌گوید: «وَفِي سَنَةِ خَمْسٍ وَ تِسْعِينَ قُبِضَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَ دُفِنَ فِي بَقِيعِ الْغَرْقَدِ مَعَ عَمِّهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ»^{۲۴} و درباره وفات امام باقر - ع - می‌گوید: «وَدُفِنَ بِالْبَقِيعِ مَعَ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ»^{۲۵} و در مورد وفات امام صادق - ع - می‌گوید: «تُوفِيَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ سَنَةَ ثَمَانَ وَ أَرْبَعِينَ وَ مِائَةً وَ دُفِنَ بِالْبَقِيعِ مَعَ أَبِيهِ وَ جَدِّهِ»^{۲۶}

نتیجه: هدف از نقل این چند نمونه تاریخی، همانگونه که اشاره گردید، بیان این نکته است که بدن فاطمه و عباس در محوطه باز و بدون دیوار و سقف دفن نشده‌اند؛ بلکه از ابتدا در زیر سقف و در داخل خانه‌ای که به عقیل بن ابی طالب تعلق داشت به خاک سپرده شده‌اند و پس از این دو بزرگوار، بدن پاک و مطهر ائمه چهارگانه اهل بیت - علیهم السلام - نیز در کنار آن دو قبر و در همان خانه و در زیر همان سقف دفن گردیده‌اند.

چرا در داخل منزل!؟

ممکن است این سؤال در ذهن خواننده ارجمند به وجود آید که با وجود بقیع، چرا پیکر

عده‌ای از اقوام و فرزندان رسول خدا - ص - در خارج این آرامگاه عمومی و در داخل خانه عقیل دفن گردیده است و اگر اولین جسدی که در این خانه دفن شده است، متعلق به فاطمه بنت اسد باشد، چگونه رسول خدا - ص - شخصاً بدن او را بجای داخل بقیع، در داخل منزل به خاک سپرده است؟!

پاسخ این سؤال برای کسانی که با تاریخ مدینه آشنایی داشته باشند، واضح و روشن است؛ زیرا آن روز دفن شدن افراد متشخص و مورد احترام، به جای گورستان عمومی، در داخل منازل و توجه به آرامگاههای خصوصی بیش از آنچه امروز در دنیا مرسوم است، معمول و رایج بوده است. بعنوان مثال می توان از دفن شدن عبدالله پدرگرمی رسول خدا - ص - در خانه ابن نابغه^{۲۷} و رافع بن مالک^{۲۸} در خانه آل نوفل که پس از شهادت وی در احد و انتقال جنازه اش به مدینه انجام گرفت و از سعد بن مالک^{۲۹} انصاری که در کنار خانه «بنی قارط» دفن گردیده است یاد نمود، و همچنین دفن شدن خلیفه اول و دوم در داخل بیت رسول خدا - ص - و پیشنهاد امام مجتبی - ع - در این راستا و از همین نمونه‌ها است.

و اساساً دفن شدن رسول خدا - ص - و حضرت زهرا - سلام الله علیها - در داخل بیت و حجره خویش از نظر اجتماعی نه تنها یک مسأله تازه و بی سابقه نبوده، بلکه نسبت به شخصیت آن دو بزرگوار، یک عمل عادی و طبیعی به حساب می آمد.

آنچه در مورد رسول خدا - ص - تازگی داشت، گفتار امیر مؤمنان - ع - بود که: «ان الله لم يقبض نبياً فی مکان الا و ارتضاه لرمسه وانی دافنه فی حجرته التی قبض فیها.»^{۳۰} که صحبت از دفن شدن در محل قبض روح رسول خدا - ص - بود، نه در داخل بیت و حجره بودن. و در مورد حضرت زهرا، موضوع حساس، دفن شدن آن حضرت طبق وصیتش مخفیانه و شبانه و بدون اطلاع سران قوم بوده، نه دفن شدن در داخل حجره (و تولی امیر المؤمنین - ع - غسلها فی جوف اللیل و دفنها سرّاً بوصیته منها فی ذلك)^{۳۱}

درب خانه عقیل جایگاه دعای رسول خدا - ص -:

در کتب حدیث و تاریخ، روایات متعددی آمده است که رسول خدا - ص - در اوقات مختلف در کنار بقیع قرار می گرفت و در آنجا به مناجات می پرداخت و بر اهل بقیع دعا و از خداوند متعال برای آنان استغفار و استرحام می نمود و گاهی نیمه‌های شب برای همین

مقصود، رختخواب خویش را ترک و به سوی بقیع حرکت می نمود.

در ارتباط با این مطلب و راجع به محل توقف و جایگاه دعای آن حضرت در کنار بقیع روایتی در منابع مدینه شناسی و از علما و نویسندگان اهل سنت نقل گردیده است که دارای اهمیت و متناسب با این بحث تاریخی ما است.

متن روایت بنا به نقل سمهودی از اولین مدینه شناس و مورخ ابن زباله زنده در سال

۱۹۹ هـ چنین است:

عَنْ خَالِدِ بْنِ عَوْسَجَةَ: «كُنْتُ أَدْعُو لَيْلَةَ إِلَى زَاوِيَةِ دَارِ عَقِيلِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ الَّتِي تَلِي بَابَ الدَّارِ فَمَرَّ بِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ - ع - يُرِيدُ الْعُرَيْضَ مَعَهُ أَهْلُهُ فَقَالَ لِي أَعَنْ آتِرَ وَقَفْتَ هِيهَنَا قُلْتُ: لَا. قَالَ: هَذَا مَوْقِفُ نَبِيِّ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - بِاللَّيْلِ إِذَا جَاءَ لِيَسْتَغْفِرَ لِأَهْلِ الْبَقِيعِ.»^{۳۲}

خالد بن عوسجه می گوید: «شبی رو به سوی زاویه خانه عقیل که در جنب درب این خانه قرار گرفته است، دعا می کردم جعفر بن محمد - ع - که به همراه خانواده اش عازم عُرَيْض بود، مراد در آن حال دید و پرسید آیا درباره این محل خبر و مطلب خاصی شنیده ای؟ گفتم: نه، فرمود: اینجا جایگاه دعای رسول خداست، شب هنگام که برای استغفار اهل بقیع می آمد در اینجا توقف می نمود.»

استحباب و استجاب دعا در این جایگاه

سمهودی پس از نقل این روایت از ابن زباله، از وی چنین بازگو می کند که: این خانه متعلق به عقیل و همان خانه است که او و برادر زاده اش عبدالله بن جعفر در آن دفن شده اند و استادام (زین مراغی) می گفت: بهتر است مسلمانان در این محل به دعا و مناجات بپردازند و من شخصاً از افراد زیادی از اهل دعا و معنا شنیده ام که دعا در کنار این خانه و در نزدیکی این قبر مستجاب است. آنگاه اضافه می کند: و این استجاب دعا شاید به برکت وجود قبر عقیل و یا به جهت قبر عبدالله بن جعفر است که خداوند به پاداش کثرت بذل وجودش استجاب دعا و قضای حوائج را در کنار قبر وی قرار داده است.

ابن زباله سپس می گوید: و از ارتفاعات جالبی که در این محل برای یکی از افراد متدین و مورد وثوق رخ داده است این است که او به هنگامی که در این محل مشغول دعا و راز

و نیاز بوده چشمش به صفحهٔ کاغذی که در پیش رویش بوده می‌افتد و بعنوان تفأل آن را بر می‌دارد و با حیرت و تعجب مشاهده می‌کند که در هر دو طرف صفحه، این آیه نوشته شده است: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»

پاسخ سیهودی و توجیه او!

سیهودی پس از بیان تعلیل و توجیه ابن زباله و با قبول اصل روایت و استجابت دعا در این جایگاه و در کنار این خانه، به رد گفتار ابن زباله پرداخته، می‌گوید: من تاکنون در گفتار هیچ یک از مورخان و مدینه شناسان دلیل و نشانی از دفن شدن عبدالله بن جعفر در این محل نیافته‌ام، بلکه مورخان در اصل محل دفن وی، اختلاف نظر دارند که آیا در مدینه است یاد در ابواء.^{۳۳}

سیهودی سپس می‌گوید: اما دلیل استجابت دعا در این محل همان است که در گفتار جعفر بن محمد -ع- آمده است که این محل جایگاه دعای رسول خدا -ص- بوده است و در تأیید آن اضافه می‌کند: و از اینجاست که دعا کردن در تمام اماکن و نقاطی که پیامبر -ص- در آنها دعا نموده است مستحب و مستحسن است؛ زیرا در این اماکن به برکت دعای آن حضرت امید اجابت و نیل به آمال بیش از نقاط دیگر است.^{۳۴}

و این بود نظریه و توجیه سیهودی و اشکال وی به توجیه ابن زباله در مورد استجابت دعا در کنار خانهٔ عقیل.

بررسی و تحلیل اصل موضوع

به نظر نویسنده، گفتار هر دو مدینه شناس دارای اشکال و ایراد است و تحلیل و برداشت آنان از این روایت مهم که ناظر بر یک حقیقت والا و نکتهٔ حساس است، غفلت از «اصل» و پرداختن به «فرع» و نادیده گرفتن ریشه و توجه نمودن بر شاخ و برگ است؛ زیرا مطلب مهم و نکته ظریف و قابل توجه در این روایت شریف، این جمله از گفتار امام صادق -ع- است: «هَذَا مَوْقِفُ نَبِيِّ اللَّهِ بِاللَّيْلِ إِذَا جَاءَ لِيَسْتَغْفِرَ لِأَهْلِ الْبَقِيعِ» پس از اینکه حضرت از خالد بن عوسجه سؤال نمود آیا راجع به این محل که ایستاده‌ای و مشغول خواندن دعا هستی خبر و مطلب خاصی برای تو نقل نشده است؟ و او جواب منفی داد، امام -ع-

فرمود: این محل جایگاه همیشگی پیامبر است شب هنگام که برای استغفار بر اهل بقیع می آمد در این محل توقف می فرمود.

آری این مطلب است که قابل دقت و بررسی است که چرا رسول خدا - ص - محل خاصی را در مقابل درب خانه عقیل جهت دعای خود اختصاص داده و در دل شبها در این جایگاه مخصوص و در کنار درب این خانه با خدای متعال به راز و نیاز می پرداخته است. و این نکته اصلی و حساس از روایت است که بایستی مورد توجه و محور بحث و تحلیل نویسندگان و مدینه شناسان همانند: «ابن زباله» و «سمهودی» قرار می گرفت و با حل این موضوع اصلی، مسأله فرعی و جنبی آن؛ یعنی استجاب و استجاب دعا در این مکان نیز روشن می گردید.

اخبار غیبی و پیشگوئیهای رسول خدا - ص -

رسول خدا - ص - در طول نبوتش مسائل حساس و حوادث مهم آینده و خصوصاً مسائل و پیش آمدهایی که مربوط به خاندان و اهل بیتش بوده و ارتباط با اسلام و مسلمین داشته خبر داده و پیروانش را از وقوع چنین حوادث مهم مطلع ساخته است و آن بخش از این حوادث که دارای اهمیت فوق العاده و مربوط به سرنوشت اسلام و عجین و آمیخته با اهداف اصلی بعثت بوده هم از طریق گفتار و هم با عمل و رفتارش مسلمین را به اهمیت موضوع متوجه ساخته است، مثلاً آنجا که اصل ولایت و وصایت مطرح است رسول خدا - ص - از دو جنبه قولی و عملی و از طریق سمعی و بصری استفاده نموده و امت خود را در جریان امر قرار داده است، آن حضرت در غدیر خم دستور اجتماع حجاج را در سر زمینی داغ و سوزان صادر می کند و آنقدر صبر و حوصله بخرج می دهد تا همه عقب ماندگان و پیش روان قافله گرد هم آیند و مسلمانان با این عمل رسول خدا و قبل از بیان موضوع به اهمیت آن پی می برند، سپس با گفتارش و با معرفی عملی امیر مؤمنان - ع - هدف اصلی را به اطلاع حاضران می رساند که: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ».

و با اینکه به امیر مومنان - ع - می فرمود: «أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى»^{۳۵} و «أَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي»^{۳۶} عملاً نیز دستور داد که همه درها را که به مسجد باز می شد ببندند بجز در خانه علی، و آنگاه که اعتراض نمودند فرمود: «مَا أَنَا سَدَدْتُ أَبْوَابَكُمْ وَفَتَحْتُ

بَابُهُ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِسَدِّ أَبْوَابِكُمْ وَفَتْحِ بَابِهِ.»^{۳۷}

و با اینکه اعلان طهارت و معرفی اهل بیت از طریق وحی انجام گرفته بود و مسلمانان آیه تطهیر را قرائت می نمودند ولی رسول خدا - ص - عملاً و به مدت نه ماه، روزی پنج بار و در اوقات پنجگانه نماز در مرثی و منظر نماز گزاران و در مقابل دید انصار و مهاجران که در صفوف نماز در انتظار قدمش بودند و آستانه خانه امیر مؤمنان و در کنار درب خانه او که به مسجد باز می شد می ایستاد و می فرمود: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً، الصَّلَاةُ الصَّلَاةُ.»^{۳۸}

و اما موضوعات و حوادث مهم دیگر که جزء اصول اسلام نبوده است، آنها نیز از دید وسیع و چشم حقیقت بین آن حضرت به دور نمانده و وقوع چنین حوادث را پیشاپیش به اطلاع مسلمانان رسانیده و از تحقق این پیش آمدها در آینده دور و نزدیک خبر داده است که این نوع حوادث در اصطلاح محدثین (ملاحم) و خبر دادن از این حوادث، اخبار غیبی و پیشگوئی نامیده می شود و گاهی بخود این نوع اخبار ملاحم اطلاق می گردد؛ همانگونه سنت که محتوای حدیث است بخود حدیث هم اطلاق می گردد.

اینک از میان صدها ملاحم که رسول خدا - ص - از آنها خبر داده است به نقل دو نمونه اکتفا می کنیم:

جنگ و خون ریزی در احجار زیت:

در ضمن حدیث مفصلی که در منابع حدیثی اهل سنت نقل شده است، رسول خدا - ص - چند حادثه مهم را به صحابه بزرگ ابوذر غفاری گوشزد می کند و با این جمله: «یا أَبَاذَرٍّ كَيْفَ أَنْتَ» از وقوع آنها باخبر می سازد و از جمله این حوادث این است:

«كَيْفَ أَنْتَ إِذَا رَأَيْتَ أَحْجَارَ الزَّيْتِ قَدْ غُرِقَتْ بِالدَّمِ.»^{۳۹}

چگونه خواهی بود روزی که جنگ سختی در مدینه واقع و احجار زیت در خون غرق شود.

این حدیث رسول خدا که از ملاحم است از حادثه مهم و از قیام شجاعانه و شهادت مظلومانه یکی از فرزندان بنام محمد ملقب به نفس زکیه^{۴۰} که در سال ۱۴۵ در احجار زیت یکی از محله های معروف مدینه اتفاق افتاد. خبر می دهد و اهمیت این قیام مقدس را که در

مقابل یکی از طواغیت و ستمگران معروف عباسی ابو جعفر منصور دوانقی واقع گردید ترسیم می‌کند.

جنگ خونبار در بیابان فح^{۴۱}

بر اساس نقل ابوالفرج اصفهانی رسول خدا - ص - در مسیر خود به مکه چون به بیابان «فح» رسید از مرکب خویش پیاده گردید و در این سرزمین دو رکعت نماز خواند و در حال نماز گریه شدید نمود که اصحاب و یاران آن حضرت متأثر و محزون شدند و چون علت اندوه و گریه آن حضرت را جویا شدند، فرمود: چون رکعت اول نماز را خواندم جبرئیل با این پیام بر من نازل شد یا محمد یکی از فرزندان تو در این محل بشهادت می‌رسد و کسی که در رکاب او شهید شود به ثواب دو شهید نائل خواهد گردید (نَزَلَ عَلَيَّ جِبْرِئِيلُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَجُلًا مِنْ وُلْدِكَ يُقْتَلُ فِي هَذَا الْمَكَانِ وَ أَجْرُ الشَّهِيدِ مَعَهُ أَجْرُ شَهِيدَيْنِ)»^{۴۲}

پیاده شدن رسول خدا - ص - در بیابان خشک و ریگزار (فح) و نماز خواندن آن حضرت قبل از اینکه پیام جبرئیل را اعلان کند، عملاً اخبار از یک ملحمه و حادثه دیگری است که در روز ترویه سال ۱۶۹ در این بیابان اتفاق افتاد و حسین بن علی بن حسن بن علی بن ابیطالب - علیهم السلام - که بر ضد هادی عباسی قیام کرده بود بشهادت رسید.

حضور رسول خدا در کنار خانه عقیل از ملاحم است:

از طرفی احادیث ملاحم که دو نمونه از آن را ملاحظه فرمودید نشانگر این است که حوادث دور و نزدیک مربوط به خاندان و فرزندان رسول خدا - ص - از نظر آن حضرت به دور نبوده و از طرق مختلف گاهی با بیان و گفتار و گاهی با عملی گویا از وقوع چنین حوادث خبر داده است و از طرف دیگر هیچ عمل و گفتار آن حضرت نمی‌تواند بدون جهت و بدون یک هدف و مقصد مشخصی انجام پذیرد و لذا می‌توان چنین استنباط و اظهار نظر نمود که حضور مستمر رسول خدا در مقابل درب خانه عقیل بن ابیطالب از همان ملاحم و پیشگویی‌ها است که آن حضرت می‌خواسته عملاً اهمیت این خانه را که در آینده نزدیک به آرامگاه چهارتن از اوصیای الهی و مدفن چهارتن از فرزندان و اهل بیت پیامبر مبدل خواهد گردید بیان کند، همانگونه که در مقابل خانه امیر مؤمنان - ع - چنین عملی را به مدت نه ماه انجام داده

است.

آری رسول خدا - ص - خواسته است که با «موقف» قرار دادن درب خانه عقیل این معنی را تفهیم کند که اگر امروز این خانه خشت و گلی متعلق به عقیل بن ابیطالب است و در آینده به یکی از بیوتی که «أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُزْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ» مبدل خواهد گردید و اگر این در و دیوار امروز جنبه شخصی دارد، فردا محل تسبیح و تحلیل مردانی خواهد شد که «لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بُيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ» و اگر امروز این خانه مطمح انظار و مورد توجه عامه نیست بمرور زمان، مهبط ملائکه و محل نزول فرشتگان و مورد رحمت و برکت خداوند متعال خواهد گردید. مگر نه این است که روزی مسجد پیامبر و محل تربت پاک او نیز در چنین شرایطی بود.

چگونه ممکن است پیامبر اکرم - ص - از حادثه‌ای که پس از صد و پنجاه سال در یکی از میادین مدینه واقع می‌شود سخن بگوید و اهمیت آن را گوشزد کند و توجه صحابه و مسلمانان را به شخصیت نفس زکیه جلب و احجار زیت را که غرق خون خواهد گردید پیشاپیش در اذهان تجسیم و ترسیم نماید، اما از مدفن چهار تن از ائمه اهل بیت که علت مبقیه اسلام و حفظه اسرار خداوند و رحمت موصوله و آیت مخزونه او هستند، سخن نگوید! چگونه ممکن است پیامبر خدا با پیاده شدن از مرکب خویش و نماز خواندن در بیابان فح و اعلان شهادت یکی از فرزندان که پس از صد و شصت سال اتفاق می‌افتد نام این بیابان و خاطره این حادثه را زنده و جاویدان سازد اما خاطره و یاد جایگاهی را که ابواب ایمان و امناء رحمان و ائمه معصومین در آن آرمیده‌اند، بفراموشی سپارد؟!!

به عقیده نگارنده با توجه به نمونه‌ها و شواهد یاد شده، رسول خدا - ص - که از طریق گفتارش ائمه هدئی رامعرفی می‌نمود و می‌فرمود: «مِنْ وُلْدِي أَحَدٌ عَشَرَ نَقِيْبًا نُجْبَاءٌ مُّحَدَّثُونَ»^{۴۳} و «يَكُونُ اِثْنِي عَشَرَ اَمِيْرًا كَلَّمَهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ»^{۴۴} با موقف قرار دادن کنار خانه عقیل می‌خواست این خانه را عملاً به مسلمانان معرفی و توجه آنان را به عظمت و اهمیت این مکان شریف جلب نماید و به امت اسلامی اعلان کند که این جایگاه در آینده یکی از کانون‌های مهم توحید و معرفت خواهد گردید و تا قیامت بصورت یکی از بزرگترین قلّه‌های نور و برهان و حکمت و عرفان خواهد درخشید.

با این توجه، علت استحباب و استجاب دعا در کنار خانه عقیل روشن می‌شود که این

استحباب و استجابت نه در اثر وجود قبر عقیل و عبدالله جعفر در گوشه این خانه است و حتی نه تنها در اثر توقف رسول خدا - ص - در این جایگاه بوده است، بلکه باید در این محل حقیقت دیگری را جستجو کرد و پی کشف واقعیت مهمتری گردید که شخص رسول خدا - ص - هم برای اعلان آن حقیقت، این جایگاه را محل دعا و مناجات خویش قرار داده است.

و اگر ابن زباله و سمهودی و هم فکراشان بجای ظاهر این خانه، به باطن آن راه می یافتند و بجای «بیت» با «اهل بیت» آشنا می شدند، به این واقعیت می رسیدند که به یمن وجود قبر پاک و مطهر چهار تن از اهل بیت در این خانه است که خداوند متعال همانگونه که آنان را تطهیر نموده دعا در کنار قبورشان را نیز مستجاب فرموده است.

و در می یافتند که نه تنها دعای آنانکه ولایت این خاندان را پذیرفته و در داخل خانه و حرم امنشان جایگزین شده اند مورد قبول است، بلکه حتی کسانی که به این مرحله نرسیده اند اما توانسته اند بطور ناخود آگاه به حریم حریشان و به بیرون خانه امنشان قدم بگذارند باز هم به برکت قبور پاکشان از فضل و رحمت خدا مأیوس نیستند و وعده: «ادعونی استجب لکم» شامل حال آنان نیز خواهد گردید.

آیا رسول خدا از آینده خانه عقیل سخن گفته است!؟

به عقیده نگارنده و بر اساس مطالب گذشته، اگر آن روز از محضر پیامبر اسلام - ص - علت توجه خاص آن حضرت را به این محل سؤال می نمودند، پاسخ آن حضرت در این مورد نیز صریح و روشن بود که این مکان در آینده مدفن چهار تن از فرزندان معصوم و اهل بیت من و آرامگاه چهار ستاره از دوازده ستاره درخشان آسمان ولایت و امامت که بدست دشمنان آیین من شهید می شوند خواهد گردید، همانگونه که در مورد حادثه فح فرمود: «نَزَلَ عَلَيَّ جَبْرَائِيلُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَجُلًا مِنْ وَلَدِكَ يُقْتَلُ فِي هَذَا الْمَكَانِ...»

و بلکه شواهد تاریخی، نشانگر تصریح رسول خدا - ص - در این زمینه و قرائن موجود مؤید گفتاری از آن حضرت در کشف و بیان این حقیقت است؛ زیرا در تاریخ زندگی و شرح حال عده ای از افراد سرشناس و کسانی که برای خود شخصیت اجتماعی قائل بودند می بینیم در آخرین روزهای زندگی خویش و آنگاه که خود را در آستانه مرگ حتمی

می دیدند، سعی و تلاش می کردند که قبر آنان بجای «روحاء بقیع» و کنار قبر عثمان بن مظعون و ابراهیم فرزند رسول خدا - ص - در داخل خانه عقیل و در محوطه این آرامگاه خصوصی قرار بگیرد و اگر به چنین موفقیتی نائل شدند حداقل در کنار این خانه و در نزدیکترین نقطه آن دفن شوند تا از این راه افتخاری کسب کنند و به امتیازی نائل گردند و عملکرد چنین افراد مؤید این حقیقت است که در مورد آینده، خانه عقیل از رسول خدا - ص - مطلبی به گوش آنان رسیده و آن حقیقت گفتنی که امروز در دسترس ما نیست برای آنان بازگو شده بود و آن راز نهفته در آن خانه برای آنان کشف گردیده بود ولی شرایط روز و سیاست موجود ایجاب می کرد که این راز از دیگران نهان گردد و این حقیقت در تاریخ مستور و در پشت پرده بماند. و نمونه این رازداری رادر بعد دیگر همین موضوع مشاهده کردیم که چگونه با وجود قبور پیشوایان معصوم و فرزندان حضرت رسول - ص - در داخل خانه عقیل و با وجود قبر حضرت زهرا - س - طبق نظر عده ای از مورخان اهل سنت در این بیت، ابن زباله این حقیقت را نادیده گرفته و انگیزه استجاب دعا در حریم این مکان مقدس را وجود خیالی قبر عبدالله جعفر یا قبر عقیل را معرفی کرده است و یا سمهودی در این مورد زیرکانه اصل موضوع را فراموش و در فرع آن قلم فرسائی نموده است.

بهر حال شواهد و قرائن موجود نشانگر یک چنین واقعیت و بیانگر گفتاری صریح از پیامبر اکرم - ص - در مورد آینده خانه عقیل و معرفی آن بعنوان مأوی و ملجاء معنوی مسلمانان و پایگاه عبادت و پرستش خدای جهان آفرین است که به نقل دو شاهد و نمونه تاریخی اکتفا می کنیم:

۱ - وصیت سعدبن ابی وقاص

موخان و شرح حال نویسان درباره محل دفن سعدبن ابی وقاص^{۴۵} مطلبی را نقل نموده اند که اجمال آن این است او در اواخر عمرش یکی از دوستانش را به زاویه شرقی خانه عقیل در کنار بقیع برده و از وی خواسته است خاکهای سطحی زمین را کنار بزند سپس چند عدد میخ که به همراه داشته بعنوان علامت و نشانه به آنجا کوبیده و وصیت نموده است بدن او را در آن محل بخاک بسپارند و پس از مدتی که در قصر خود در وادی عقیق و بیرون شهر از دنیا رفته بدنش را به مدینه منتقل و طبق وصیت او در همان محل که علامت گذاری و

میخکوبی شده بود دفن نموده‌اند (فَوَجِدُوا الْأَوْثَادَ فَحَفَرُوا لَهُ هُنَاكَ وَ دَفَنُوهُ)^{۴۶}

۲ - ابوسفیان در فضای بیرون خانه عقیل:

شرح حال نویسان همچنین درباره ابوسفیان^{۴۷} نقل نموده‌اند که روزی عقیل بن ایطالب ابوسفیان را که سخت مریض بود دید که در میان مقابر (خصوصی) قدم می‌زند، علت این امر را از وی سؤال نمود، ابوسفیان پاسخ داد در پی محل مناسبی هستم که مرا در آنجا بخاک بسپارند، عقیل او را بسوی خانه خود هدایت و در فضای بیرونی این منزل محلی را مشخص نمود که در آن محل برای ابوسفیان قبری آماده گردید و پس از چند روز که از دنیا رفت در همان قبر بخاک سپرده شد. (وَ أَمَرَ بِقَبْرِ فُحْفِرَ فِي قَاعِهَا^{۴۸} وَ دُفِنَ فِيهَا)^{۴۹}

خانه عقیل به مسجد (حرم) تبدیل می‌شود.

این بود مرحله اول از تاریخ حرم ائمه بقیع و آنچه نسبت به ساختمان این مکان مقدس هم زمان و قبل از دفن پیکر پاکشان از کتب و منابع مدینه شناسی استفاده نمودیم، اینک در مرحله دوم از تاریخ این حرم مطهر قرار گرفته‌ایم و این مرحله تبدیل خانه عقیل به حرم و تغییر شکل این منزل مسکونی به ساختمان و فضای مناسب با شرائط اجتماعی مذهبی سالهای بعد و یا قرنهای بعد است که هر یک از مساجد و حریمهای مهم مانند مسجد و روضه حضرت رسول - ص - با مرور و اقتضای زمان از این تحول و تکامل برخوردار بوده‌اند.

پاورقی‌ها

- ۱ - سهمودی متوفای ۹۱۱ هـ در وفاء الوفا، ج ۳، ص ۸۸۸ می‌گوید: این دو گورستان با مرور زمان متروک و آثار آنها از بین رفته و لیکن سمت آنها در مدینه معلوم و مشخص است.
- ۲ - وفات وی در دو سال و نیم از هجرت گذشته، واقع شده است.
- ۳ - وفات وی در ذی‌حجه سال هشتم هجری واقع شده است.
- ۴ - بجز خدیجه که در مکه و میمونه که در سرف دفن شده‌اند.
- ۵ - «روحاء»؛ جایگاه انبساط و راحتی و «زواره»؛ محل توجه و زیارت را گویند. روحاء بخش میانی بقیع و محلی است که قبر عثمان بن مظعون و ابراهیم فرزند رسول خدا - ص - در آن قرار گرفته و این تسمیه و تقال از رسول خدا - ص - بوده که به هنگام دفن عثمان بن مظعون فرمود: «هذه الروحاء». تاریخ المدینه، ج

- ۱ - ص ۱۰۰.
- ۶ - اخبار المدینه ج ۱، ص ۱۵۲. - وفاء الوفا، ج ۳، ص ۸۸۹ - عمدة الأخبار فی مدینة المختار، ص ۱۵۱.
- ۷ - در صفحات آینده این مطلب روشن خواهد شد.
- ۸ - ابن نجار می‌گوید: عمرین عبدالعزیز خانه‌ای را که متعلق به زیدبن علی و خواهرش خدیجه بود، به مبلغ هزار پانصد دینار خریداری و تخریب نمود و جزء بقیع قرار داد و مقبره خصوصی خاندان عمرین خطاب گردید. اخبار المدینه، ص ۱۵۶.
- ۹ - تاریخ المدینه، ابن شبه، ج ۱، ص ۱۰۱.
- ۱۰ - تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۰۱ - عمدة الأخبار فی مدینة المختار، ص ۵۲.
- ۱۱ - تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۰۵ - وفاء الوفا، ج ۳، ص ۹۰۱.
- ۱۲ - تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۰۵ - وفاء الوفا، ج ۳، ص ۹۰۱.
- ۱۳ - تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۰۱ - وفاء الوفا، ج ۳، ص ۹۰۱.
- ۱۴ - تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۰۶ - وفاء الوفا، ج ۳، ص ۹۰۱.
- ۱۵ - وفات فاطمه بنت اسد در سال چهارم و بنا به قولی در سال ششم هجرت واقع شده است.
- ۱۶ - تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۲۷.
- ۱۷ - وفاء الوفا، ج ۳، ص ۹۱۰.
- ۱۸ و ۱۹ - عمدة الأخبار، ص ۱۵۳.
- ۲۰ - تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۱۱.
- ۲۱ - ارشاد مفید، ص ۱۹۲ - اعلام الوری، ص ۲۱۱.
- ۲۲ - اخبار مدینة الرسول، ص ۱۵۳.
- ۲۳ - احیاء العلوم، ج ۱، ص ۲۶۰.
- ۲۴ - مروج الذهب، ج ۳، ص ۱۶۹.
- ۲۵ - همان، ص ۲۳۲.
- ۲۶ - همان، ص ۲۹۷.
- ۲۷ - در مورد دفن عبدالله در آینده بحث مستقل خواهیم داشت.
- ۲۸ - رافع بن مالک انصاری از شخصیت‌های بارز و از صحابه و یاران با وفای رسول خدا - ص - می‌باشد او برای بیعت با رسول خدا به مکه مسافرت نموده و در بیعت عقبه اول و دوم حاضر گردید و پس از فراگرفتن چند سوره از قرآن، به مدینه مراجعت و به دعوت اقوام و عشیره‌اش به اسلام مشغول شد و در دو جنگ مهم بدر و احد حضور داشت که در جنگ احد به شهادت رسید و جنازه‌اش به مدینه حمل و در خانه آل نوفل به خاک سپرده شد. - اسدالغابه، ج ۲، ص ۱۵۸ - اصابه، ج ۱، ص ۴۹۹ - وفاء الوفا، ج ۳، ص ۹۴۱.
- ۲۹ - سعیدبن مالک ساعدی (پدر سهل ساعدی) از صحابه و از انصار است. وی که برای شرکت در جنگ بدر آماده می‌گردید مریض شد و از دنیا رفت. جنازه‌اش را در کنار خانه بنی قارطه به خاک سپردند. رسول خدا او را عملاً از شرکت کنندگان در جنگ محسوب نمود و سهم وی را از غنائم جنگی به فرزندانش تحویل داد. اسدالغابه، ج ۲، ص ۲۸۹ - اصابه، ج ۲، ص ۳۴ - استیعاب، ج ۲، ص ۳۵.
- ۳۰ - اعلام الوری، ص ۱۴۴.
- ۳۱ - همان، ص ۱۵۸.
- ۳۲ - وفاء الوفا، ج ۳، ص ۸۹۰ - اخبار المدینه ابن نجار، ص ۱۵۷. در نسخه موجود از اخبار المدینه جمله: «یرید العرض و معه اهله» وجود ندارد.
- ۳۳ - و بنا به نقل رافعی در «عنوان النجابه فیمن دفن بالمدينة من الصحابة» محتمل است قبر عبدالله در مکه باشد.

- ۳۴ - وفاء الوفا، ج ۳، ص ۸۹۰.
- ۳۵ - صحیح مسلم، ج ۴، ح ۲۴۰۴ - سنن ترمذی، ص ۵ - کتاب المناقب، ح ۳۸۰۸. سنن ابن ماجه مقدمه، ح ۱۱۵.
- ۳۶ - سنن ترمذی، ج ۵ - کتاب المناقب، ح ۳۷۹۶ - مسند احمد، ج ۱، ص ۳۳۱.
- ۳۷ - سنن ترمذی، ج ۵ - المناقب، ح ۳۸۱۵ - مسند احمد، ج ۱، ص ۳۳۱ و ج ۲، ص ۲۶.
- ۳۸ - ابن مطلب در طی چندین حدیث در کتب تفسیر در ضمن تفسیر آیه تطهیر آمده است و متن یکی از این احادیث که در تفسیر الدر المنثور، ج ۵، ص ۱۹۹ و در المیزان، ج ۱۶، ص ۳۳۷ نقل گردیده این است: «واخرج ابن مردويه عن ابن عباس قال شهدنا رسول الله - ص - تسعة أشهر يأتي كل يوم باب علي بن ابيطالب رضي الله عنه عند وقت كل صلوة فيقول السلام عليكم ورحمة الله وبركاته اهل البيت، انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت ويطهركم تطهيرا، الصلوة رحمكم الله».
- ۳۹ - سنن ابی داود کتاب الفتن و الملاحم، ص ۴۱۶ - مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۱۶۳ - سنن ابن ماجه، ج ۲، کتاب الفتن ح ۳۹۵۸ - مستدرک صحیحین، ج ۳، ص ۱۵۸.
- ۴۰ - نفس زکیه محمد بن عبدالله بن حسن بن امام حسن مجتبی - علیهم السلام - در ماه رجب ۱۴۵ در مدینه قیام نمود و مردم این شهر و مکه و یمن با وی بیعت نمودند. منصور ولیعهد و برادرزاده خویش، عیسی بن موسی را به همراه شش هزار تن به مدینه اعزام کرد. محمد و یارانش غسل نموده و کفن پوشیدند و خود را معطر کردند و در میان او و نیروهای عیسی جنگ سختی در گرفت تا به احجار زیت کشیده شد و نفس زکیه و همراهانش در این نقطه پس از مقاومت شدید به شهادت رسیدند، سر او را نزد منصور فرستادند و پیکرش به وسیله خواهرش زینب و دخترش فاطمه در بقیع دفن گردید. می گویند بر بدن وی آنقدر زخم وارد شده بود که به هر عضوی از اعضایش دست می زدند، متلاشی و از تنش جدا می گردید، شهادت نفس زکیه در چهاردهم ماه رمضان ۱۴۵ - بوقوع پیوست. تاریخ طبری کامل ابن اثیر و تاریخ ابن کثیر حوادث سال ۱۴۵. مقاتل الطالبین، ص ۱۶۱ - تذکرة الخواص، ص ۲۳۱ - تممة المنتهی، ص ۱۳۵.
- ۴۱ - «فخ» نام بیابانی است در شش میلی مکه به سوی مدینه و جنگ فخ چنین بود که حسین بن علی که از فرزندان امام مجتبی - ع - است در مدینه بر ضد خلیفه هادی عباسی قیام کرد و عده ای با وی در مبارزه با خلیفه وقت بیعت و به سوی مکه حرکت نمودند که در فخ با نیروهای خلیفه درگیر و به شهادت رسیدند، سرهای شهدا را به نزد هادی فرستادند و اجسادشان سه روز در بیابان ماند و طعمه درندگان گردید و از اینجاست که گفته اند پس از فاجعه کربلا هولناکتر از حادثه فخ واقع نگردیده است. فخ در سالهای اخیر جزء شهر مکه و از میادین معروف این شهر شده است. تاریخ طبری کامل ابن اثیر و تاریخ ابن کثیر حوادث سال ۱۶۹. معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۳۸ - تذکرة الخواص، ص ۲۴۰ - تممة المنتهی، ص ۱۶۴.
- ۴۲ - مقاتل الطالبین، ص ۲۹۰.
- ۴۳ - اصول کافی، ج ۱، ص ۵۳۴.
- ۴۴ - صحیح بخاری، ج ۹ - کتاب الفتن باب الاءستخلاف و کتاب الاحکام - صحیح مسلم، ج ۶، کتاب الامارة.
- ۴۵ - مرگ سعد بن ابی وقاص در سال ۵۶ واقع شده است.
- ۴۶ - اسدالغابه، ج ۲، ص ۲۹۳ - تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۱۶ - عمدة الاخبار، ص ۱۵۲ - وفاء الوفا، ج ۳، ص ۸۹۹.
- ۴۷ - مرگ ابوسفیان در سال ۲۰ واقع شده است.
- ۴۸ - اقرب الموارد می گوید: فضای بدون سقف و بنا را که در وسط خانه های محله ای واقع شود «قاعة» می گویند.
- ۴۹ - اصابة، ج ۴، ص ۹۰ - تاریخ المدینه ابن شبه، ج ۱، ص ۱۲۷ - وفاء الوفا، ج ۳، ص ۹۱۱ - عمدة الاخبار، ص ۱۵۶.